

- (1) نقباء کرام و سادات عظام و علماء اعلام و قضاه اسلام و اکابر و اشراف
- (2) و اصول و اعیان دار السلطنه خراسان و ارباب و کلانتران شهر هراه
- (3) احسن الله تعالی احوالهم بدانند که درین ولا بذروه عرض رسید که جناب سلطنت‌ماب معده شاعر نصفت دثار¹ محمد تیمور خان¹ و برادر اغر ارشد (4) کامکار فولاد سلطان از هراه بیرون آمده متوجه دار المحفوظه سمرقند شده اند و از عقب ایشان تمامی احرا و نوکران که (5) در بلده هراه و هرکاب گذاشته بوده اند نیز بیرون رفته کسی که محافظت شهر و قلعه نماید ننمانده چون خسرو یکان ولایات ایمنی را استماع (6) کرده اند بعضی از ایشان نیز دغدغه نموده از ولایات بیرون رفته اند این صورت بغایت مستبعد نمود بنابراین در روز جناب سلطنت‌ماب (7) رفعت ایاب برنجین محمد سلطان و عمده الملك جورجی بهادر بشلیخ احرا با پنج هزار کس حکم فرمودیم که بی توقف (8) از آب گذشته از راه مرو و بولایه نسا و آنحدود رفته بدفع رحمانقلی عرب و هرکس که ازو صورت عصیان و تمرد ظاهر شده باشد (9) مشغولی نمایند و از انجا بمشهد مقدسه نضحہ علیہ التحیہ و الدما رفته توقف نمایند و ما نیز بر اثر ایشان در روز متوجه مرو گردیده (10) از انجا متوجه دار السلطنه هراه ایم همه حال انشا¹ الله تعالی² درین نوبت بخراسان میرسیم بر ضمیر منیر همیون واضح و لایح کشته که (11) اهل هراه بواسطه دولتخواهی ما انواع زحمت کشیده اند انشا الله تعالی چون درین زودی ریایات نصرت ایات بدار السلطنه هراه نزول اجلال (12) ارزانی داشته کلانتران را بمناصبات علیہ و انعامات کلیه سرافراز گردانیده خوردان را ترخان خواهیم ساختمی باید که چون بر مضمون حکم جهانمطاع افتاب شعاع لازال نافذا (13) فی اقطار الربع المسکون اطلاع یابند باتفاق معتمد السلطنه مرفوعی المملکه جوامع جلالت مشیر

¹ Hervorgehoben in Höhe der 2. Zeile auf den Rand geschrieben; gehört hierher.

² Hervorgehoben in Höhe des Zwischenraumes der 9.-10. Zeile auf den Rand geschrieben; gehört hierher.

دولت که قبل ازین جهت مهمات و آلات صحرا به خراسان فرستاده شده بود بحفاظت شهر همراه و کاهرانی رعایا (14) کوشیده هرکس در مقام تمرد و کردن کشی باشد بدفع انکس اشتغال نمایند و رعایا را با رسیدن خزایات همایون مستمال و امیدوار گردانند هر نوع امری که بوده باشد عرضه داشت نمایند

(15) تحریراً فی خامس شهر جمادی الاول سنه ۹۱۹